

خبر

سخنگوی وزارت ارشاد:

به زودی خبرهایی از بازیگران مهاجرت کرده می شنوید

بخش فرهنگی - سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن پاسخگویی به حاشیه‌های اخیر فعالیت‌های هنری کشور، از بازگشت برخی از بازیگران مهاجرت کرده که از رفتار خود پشیمان هستند خبر داد.

به گزارش خبرنگار مهر، حسین نوش‌آبادی سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سی و دومین ست رسانه‌ای خود که روز دوشنبه ۱۵ شهریور ماه شورای فرهنگ عمومی کشور برگزار شد با اشاره به برخی از شبهات مطرح شده درباره پذیرش شروطی از سوی دادستانی در حوزه برگزاری کنسرت‌ها گفت: اخیراً در بعضی از رسانه‌ها اعلام شده که تفاهمی بین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دادستانی مبنی بر پذیرش شروطی ایجاد شده که بنده در همین جا اعلام می‌کنم که هیچ‌گونه تفاهمنامه ای میان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مقامات قضایی درباره کیفیت برگزاری کنسرت‌ها امضا نشده و من هر گونه خبری مبنی بر این موضوع را تکذیب می‌کنم.

وی افزود: البته تکذیب امضای تفاهمنامه میان دادستانی و وزارت ارشاد به معنای عدم هماهنگی این نهاد با نهادهای قضایی و انتظامی نیست. اتفاقاً اجرای همه برنامه‌های موسیقایی با همکاری مسئولان قضایی و انتظامی شکل می‌گیرد که امیدوارم تداوم پیدا کند و مشکلات موجود نیز به تدریج حل و فصل شود. ما در حوزه صدور مجوز به لحاظ محتوایی، نظارت کاملی را خواهیم داشت و با اصلاح ماده ۲۰ قانون امکان عمومی، وظیفه نیروهای تأمین‌ی شفافیت شده و با آنچه که به حوزه نظارت بر محتوا مربوط شده باشد در حوزه کاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. به هر حال ما امیدواریم بتوانیم با هماهنگی‌های بیشتر به نتایج بهتری در زمینه برگزاری کنسرت‌ها برسیم و در عین حال که اجازه هر گونه فعالیت‌های خارج از عرف و چارچوب قانونی را در کنسرت‌ها پیگیری می‌کنیم، اجازه نمی‌دهیم که فضای سالم فعالیت‌های فرهنگی و هنری کشور نیز مخدوش شود.

ممنوع‌التصویری جهانگیر کوثری
به وزارت ارشاد ارتباطی ندارد
سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به یکی از خبرنگاران مبنی بر ماجرای ممنوع‌التصویری جهانگیر کوثری و دخترش باران کوثری توضیح داد: شنایه ممنوع‌الکاری یا ممنوع‌التصویری آقای جهانگیر کوثری و دخترشان هیچ ارتباطی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ندارد و اگر در این رابطه موضوعاتی مطرح شده، به اعتقاد من باید با مسئولان ذریبط این موضوع که تصور می‌کنم مرتبط با سازمان صدا و سیما باشد، مطرح شود که به طور حتم این نهاد نیز برای خود ضوابطی دارد که باید در حوزه کاری آنها مورد بررسی قرار گیرد. به هر حال تاکنون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هیچ تصمیمی برای ممنوع‌الکاری جهانگیر کوثری و باران کوثری اتخاذ نکرده است.

فقط وزارت ارشاد ناظر بر محتوای کنسرت‌هاست

نوش‌آبادی درباره موضوع پرحاشیه کنسرت‌ها نیز تصریح کرد: ما برای جلوگیری از لغو کنسرت‌ها در هر استانی نیازمند تعامل با نهادهای اداری هر استان و شهر از جمله شورای تأمین هستییم که تاکنون هم اجرای برنامه‌های صحنه‌ای ما هماهنگ با این نهادهای بوده است. اما برخی اظهارات وجود دارد که باید نودست و درباره آنها صحبت کرد. من هم‌اکنون از اظهارنظرهای شخصی صحت می‌کنم که لازم است درباره آن بحث و نشست‌های فراوانی داشته باشیم. به هر صورت ما به عنوان مسئول صدور مجوز و محتوای برنامه‌ها، نقش خود را ایفا و در این زمینه از همکاری دیگر نهادهای نیز استفاده می‌کنیم. من باز هم تأکید می‌کنم که در حوزه صدور مجوزها و نظارت بر محتوا، این وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که اصلی‌ترین نقش را ایفا می‌کند و سایر دستگاه‌ها نیز در ارتباط با برنامه می‌توانند نقش خود را ایفا کنند. به اعتقاد من در این موضوع هیچ‌کس نمی‌تواند در وظیفه دیگری مداخله کند.

وی افزود: اتفاقات ناشی از لغو کنسرت‌ها به دلیل فقدان تفاهم و درک متقابل طرفین از هم است که باید اینها را به نحوی حل کنیم تا از نظر قانونی همه چیز در چارچوب خودش تعریف شود.

سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به اظهار ندامت برخی از بازیگران مهاجرت کرده به خارج از کشور برای حضور در شبکه‌های فارسی‌زبان، گفت: اخیراً خبرهایی به گوش می‌رسد کسانی که سراب حضور در فیلم‌های خارجی داشتند و بی‌محابا به این شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان پیوستند، عزم برگشت دارند که البته من بعید می‌دانم به همین راحتی‌ها بتوانند عمل خود پیشمان شده‌اند و با توجه به اینکه در آنجا نمانند به‌خوشامتنی مادی خود برسند، تمایل به بازگشت به ایران دارند.

وی افزود: صحنه برای نادمان باز است و می‌دانیم که آنها نه تنها هیچ منفعتی برای خود به همراه آوردند، بلکه خود را نیز بدنام کردند و شاید این اتفاقات درس عبرتی برای کسانی باشد که قصد مهاجرت به آن سوی مرزها دارند. به هر حال به زودی خبرهایی را می‌شنوید که بسیاری از این خبرها دال بر بازگشت بازیگران مهاجرت کرده دارد.

سود نبود کپی‌رایت در جیب پخته خوارها!

صادق وفايي

در ادامه گفت و گو و مصاحبه با مترجمان کشور و آسیب شناسی فضای کاری این صنف از اهالی قلم، برگزاری میزگرد آسیب شناسی ترجمه و نشر در دستور کار خبرگزاری مهر قرار گرفت و محمدعلی جعفریه مدیر نشر ثالث، رضا میرچی مترجم و ناشر ایرانی مقیم جمهوری چک و اسدالله امرایی مترجم در این نشست حضور پیدا کردند.

مهدي غبريائي، محمد عباس آبادي، ابوالفضل الله دادی و شهلا انتظاريان از جمله ترجمانی هستند که پیش از این در گفتگو با مهر به بیان نظرات و دیدگاه های خود درباره فضای کاری شان در زمینه بازگردانی آثار ادبی خارجی به فارسی پرداختند.

میزگرد کارشناسان حوزه ترجمه با بررسی معضلات و مشکلات مترجمان و کار ترجمه آغاز شد اما با گسترده‌تر شدن دامنه بحث، ۳ چهره حاضر در گفتگو، از تجربیات و آموخته‌های خود طی چند دهه فعالیت در عرصه نشر گفتند و موضوعات مختلفی را مد نظر قرار دادند.

نبرد کپی‌رایت، ترجمه و ناشران پخته‌خوار، نبود یک دستگاه نظارتی مناسب بر روند ترجمه و چاپ کتاب، اعمال سلیقه مسئولان زیربط به جای تمکین قانون، ساعت کار نامناسب کتابخانه ها و کتابفروشی‌ها از جمله موضوعاتی بودند که در این گفتگو مطرح شدند.

▲ آقای جعفریه اجازه بدهید بحث را از شما شروع کنیم. یکی از مسائلی که در رسانه‌ها به آن پرداخته می‌شود، این است که مردم کتاب نمی‌خوانند و کتابخوانی در جامعه کم است. بخش‌های خصوصی و دولتی هم سعی می‌کنند با ترغندهایی، میزان کتابخوانی را بالا ببرند. اما در مواقعی، اتفاقاتی رخ می‌دهد که خلاف این مساله را نشان می‌دهند. مثلاً می‌بینیم که از یک رمان، چند ترجمه منتشر می‌شود. این اتفاق برای برخی کتاب‌هایی که شما هم چاپ کرده‌اید هم افتاده است. شما علت چنین پدیده ای را در چه چیزی می‌دانید؟

جعفریه: علت این که از یک کتاب چند ترجمه ارائه می‌شود یا علت این که چرا از کتاب استقبال می‌شود؟

▲ از یک طرف می‌گوییم که مردم کتاب نمی‌خوانند و از یک طرف می‌بینیم که چند مترجم با تمرکز و جدیت به دنبال ترجمه یک کتاب هستند. این دو، با هم تناقض ندارد؟

جعفریه: ببینید، دو تا بحث وجود دارد. این که چرا از یک عنوان کتاب استقبال می‌شود، یک بحث است و این که چرا مترجمان همه به سراغ ترجمه یک اثر می‌روند، بحث دیگری است. یک سری مترجم داریم که در کشورمان به صورت حرفه‌ای کار ترجمه انجام می‌دهند. گروه دیگری هم هستند که به صورت تفتنی این کار را انجام می‌دهند و در حاشیه هستند. ناشرهایی داریم که کتاب‌سازی می‌کنند و نیازمند افرادی هستند که کتاب‌ها را برایشان ترجمه کنند. آن گروه مترجمان تفتنی با این ناشران همکاری می‌کنند. در این زمینه، مقوله‌ای به نام بازنویسی متن‌های ترجمه شده به فارسی وجود دارد که افراد به ظاهر مترجم، متن‌های ترجمه شده را برداشته و تغییراتی در آن‌ها می‌دهند.

بنابراین چند گونه مترجم داریم که در این فضا دارند کار می‌کنند. یک سری کتاب ما داریم که کتاب‌های پرفروش هستند و امتحان خود را پس داده‌اند. کتاب‌های پانولو کیوتیلو یا خالد حسینی از این دست هستند. متأسفانه به علت نبودن حق کپی‌رایت، همه می‌توانند این کتاب‌ها را ترجمه کنند. حالا مترجم و ناشر حرفه‌ای و جدی، کتاب‌های پرفروش را هم ترجمه می‌کنند؛ هم به این خاطر که چرخه نشرش بگردد و هم به خاطر این که از نمربخشی زحمتی که برای چاپ یک کتاب می‌کشد، مطمئن باشد. در این زمینه، مقابل ناشران حرفه‌ای، ناشران پخته‌خوار قرار دارند.

▲ آیا این گروه از ناشران، مخاطب سنجی کرده‌اند؟ یعنی از فروش کتاب مورد نظر مطمئن هستند یا دارند ریسک می‌کنند؟

جعفریه: وقتی که می‌بیند ناشری کتابی را چاپ کرده و آن کتاب پرفروش است، با خود می‌گوید اگر من هم چاپ کنم، فروش خواهم داشت. بالاخره آن ناشر هم مشتری‌های خاص خود را دارد. اگر بخواهم این بحث را با باز کنم، صحبت بسیار طولانی می‌شود. ما متأسفانه به علت مشکلاتی که در نقد آثار ادبی و فضای تقدمان داریم، به این شرایط رسیدهایم. نقدهایمان خیلی از مواقع، خواننده را گمراه می‌کند. او را راهنمایی نمی‌کنیم که چه کتابی را بخواند.

از طرف دیگر، متولیان فرهنگ مانند وزارت ارشاد و دیگر نهادهایی که باید بر این فضا نظارت داشته باشند، از کار اصلی شان دور مانده‌اند و به کارهایی می‌پردازند که کار آن‌ها نیست. خود دوستان مترجم و اتحادیه ناشران هم نظارتی بر این ندارند که الان چه کتابی وارد منتشر می‌شود.

▲ به نظر آن این بحث، با مساله ممیزی، موازی نیست؟

جعفریه: نه، موضوع، درباره ممیزی نیست. در حال حاضر، ناشرانی داریم که بسیاری از کتاب‌هایی که آقای امرایی و امثال ایشان، یعنی مترجمان حرفه‌ای ترجمه نمی‌کنند، چاپ می‌کنند. منظورم این نیست که آقای امرایی یا دیگر مترجمان بزرگمان توانایی ترجمه این کتاب‌ها را ندارند، بلکه سراغ چنین کتاب‌هایی نمی‌روند چون باید خیلی از فرازایشان را حذف کنند و نمی‌خواننده نسبت به روح اثر و نویسندشان، خیانت کنند. هم می‌خوانند احترام خواننده را داشته باشند هم نویسنده اثر را. اما مقابل این مترجمان، ترجمانی هستند که این کتاب ها را ترجمه می‌کنند.

▲ و مرتکب آن خیانت می‌شوند؟

جعفریه: بله، چون اصلاً برایشان مهم نیست ۱۰۰ صفحه از این کتاب حذف شود. یک بنگار بشود و خواننده ما متأسفانه به علت وجود نقد صحیح و سالم، می‌رود و چنین ترجمه‌هایی را تهیه می‌کند.

یا مثلاً ببینید، خیلی از کتاب‌ها بوده که پیش از انقلاب چاپ شده‌اند که تعداد زیادی از آن‌ها مربوط به ادبیات جهان بوده و انتشارات امیرکبیر چاپشان کرده است. این کتاب‌ها بعد از انقلاب، توانسته‌اند چاپ شوند. بعضی از آن‌ها، همان ترجمه‌ها را و بعداً داده‌اند و آن‌ها هم هرچجا که فکر کرده‌اند لغت مشکل داری وجود دارد، آن را حذف کرده‌اند و به این ترتیب می‌بینیم که وقتی قدم به نمایشگاه کتاب تهران می‌گذاریم، می‌بینیم که بسیاری از رمان‌ها و آثار ادبی بزرگ جهان دارند به این صورت به فروش می‌روند. خب جریان نقد سالم که وجود ندارد و مخاطب از ماجرا مطلع نیست. از طرفی کسی هم به آن ناشر نمی‌گوید که کتاب تو تقلبی است.

▲ شما این مساله را ناشی از عدم نظارت کدام دستگاه می‌دانید؟ اتحادیه ناشران یا وزارت ارشاد؟ شاید هم وجدان کاری مترجمان و ناشران!

جعفریه: ببینید، بعضی از این‌ها، که اصلاً مترجم نیستند و کار ترجمه می‌کنند. فقط تا حدودی با فن وبرایش آشنا هستند و نسخه ترجمه قدیمی کتاب را از ناصرخسرو یا خیابان انقلاب تهیه می‌کنند. جالب است که نسخه اولیه ترجمه کتاب ۶۰۰ صفحه است و ترجمه جدیدی که از آن منتشر می‌شود، ۳۵۰ صفحه است. این کار را ناشر به اسم ترجمه به وزارت ارشاد می‌دهد. وزارت ارشاد است که باید نظارت داشته باشد تا اثر اصیل منتشر شود. متأسفانه آن مفهوم تأییدکننده محصول که در کالاهای صنعتی می‌بینیم، در مورد کتاب وجود نداشته و اعمال نظارتی ندارد. ارشاد فکر می‌کند فقط باید از نظر محتوایی کتاب را نظارت کند تا جامعه را آلوده نکند. در حالی که نظارت فقط در این خلاصه نمی‌شود.

▲ یعنی کتاب، برچسب اطمینان ندارد.

جعفریه: بله. ندارد. خواننده حرفه‌ای، به نام ناشر یا مترجم اعتماد می‌کند. این اعتماد را هم با تجربه و آزمون و خطا به دست آورده است. البته برخی

{فرهنگ و هنر}

میزگرد آسیب‌شناسی ترجمه کتاب

سود نبود کپی‌رایت در جیب پخته خوارها!

از خوانندگان هم در این مسیر، زده شده و از کتاب و کتابخوانی بریده اند.
▲ آقای امرایی شما به عنوان یک مترجم حرفه‌ای هم این پدیده را تحلیل کنید! چرا از یک کتاب چند ترجمه در بازار می‌بینیم؟ اگر مخاطبان شما را می‌شناسند، باید به همان ترجمه شما بسنده کنند و سراغش بروند. اما حتماً یک نیازسنجی هم از طرف مترجم و ناشر دیگری رخ داده که با خود گفته اگر من هم کتاب را ترجمه و چاپ کنم، فروش خواهد داشت.

امرایی: ببینید، اصل ماجرا، بحث کپی رایت است. اگر به کپی رایت پایند باشیم، چنین اتفاقاتی نخواهد افتاد. البته این را بگویم که برخی از این ترجمه‌ها، ترجمه همزمان هستند. وقتی ترجمه ای چاپ می‌شود و چند روز بعد، ترجمه جدیدی می‌آید، طبیعتاً مترجم دوم از روی لولی کپی نکرده است، بلکه همزمان با هم کار کرده‌اند. پیش می‌آید که چند مترجم، همزمان یک کار را انجام بدهند و چون اطلاع رسانی نکرده‌اند، این اتفاق بیافتد.

یک عده هم که به تغییر آقای جعفریه پخته‌خوار هستند، یک سری از این پخته خوارها را در نمایشگاه کتاب دیده‌ام. که طرف خودش غرفه داشت و دوره می‌افتاد تا ببیند کدام کتاب‌ها پرفروش هستند. بعد هم از هر کدام یک نسخه می‌خرید و سپس آن روند ترجمه و چاپ را طی می‌کرد. موردی را سراغ دارم که ویراستار اثر، بعد از این که متوجه شده بود نسخه اولیه را من ترجمه کرده ام و بعد عذاب وجدان گرفته بود. بحث این گروه جلداست و در بازار کتاب به هیچ جایی نمی‌رسند.

▲ تأثیر گذاری هم ندارد!



امرایی: بله. همین طور است. چون خواننده ما، خواننده‌هایی هستند که کتاب خوب می‌خوانند. ببینید، می‌گویند که بازار کتاب در آمریکا فالان است و چنان است، اما اگر ۷۰ یا ۸۰ درصد کتاب‌هایی را که در آن بازار چاپ می‌شود، به مترجمان حرفه‌ای ما بدهید، حاضر به ترجمه شان نخواهند بود.

برای این که از اول کتاب کار با رختخواب و حمام شروع می‌شود و پایان کار هم همین است. نه خواننده‌های حرفه‌ای سراغ این کتاب‌ها می‌روند، نه ناشر و نه مترجمان. همان طور که مترجمان نسل پیشین ما در سال‌های پیش از انقلاب هم سراغ این آثار نمی‌رفتند. این کتاب با یرنگاه مطبوعاتی صنعتی و بنگاه فالان و بهمان چنان می‌گردند. ناشران معتبر هم به سراغ کتاب هایی می‌رفتند که حاوی ادبیات بودند.

اگر کپی رایت وجود داشته باشد، دیگر شاهد مساله ترجمه همزمان از یک اثر نخواهیم بود. چون نویسنده یا ناشر خارجی یک کارگزار دارد و مترجمان با او طرف هستند. ۵ مترجم نامه می‌دهند و می‌گویند می‌خواهیم کتاب را ترجمه کنیم. آن کارگزار، مسائل را بررسی می‌کند و امتیاز ترجمه اثر را به یک مترجم می‌دهد. این گونه امکان ترجمه موازی از بین می‌رود. منتهی یک بحثی که در کلیت کار وجود دارد این است که دولت می‌تواند از مترجم یا ناشری که زودتر اقدام کرده، یا مثلاً از ناشر و نویسنده اجازه گرفته، حمایت کند.

جعفریه: یا اصلاً از کسی که کپی رایت اثر را خریده است.

امرایی: بله. دولت می‌تواند از ناشری که کپی رایت ترجمه اثری را خریده، حمایت کند و بگوید شما آبروی مملکت ما هستید. به این ترتیب، نویسنده اثر نمی‌گوید که این‌ها درد هستند. به صضه مجازی خانم جی. کی. رولینگ بروید و ببینید که نوشته‌انشارات کتابسرای تندیس، امتیاز کتاب من را خریده و نماینده من در ایران است. من برای ترجمه آثار برخی از نویسندگان، از آن‌ها اجازه گرفتم و پولی هم پرداخت نشد. یکی از دوستان، به خانم سن گالاگر همسر ریچموند کارور نامه نوشته بود که ما می‌خواهیم کتاب های شعر کارور را ترجمه کنیم. به نسخه هایش هم دسترسی نداریم لطفاً این کتاب‌ها را برای ما بفرستید. گالاگر گفته بود برای امرایی می‌فرستم برو از او بگیر! یکی نسخه اضافه هم برای خودم فرستاده بود. این، یک سری تعامل است که از طرفی می‌آید و می‌فرهزند.

نکته دیگر این است که اگر وارد قانون کپی رایت شویم، باید اداره ممیزی را تعطیل کنیم. چون ممکن است نویسنده نپذیرد که کتابش خلاصه شود یا اگر نپذیرد با این شرط باشد که ابتدای کتاب بنویسد **Average** معنی «خلاصه شده». آثار کلاسیک را این روزها دیده اید که گاهی چاپ می‌شود و نسخه‌های خلاصه و کوتاه شده ای هستند.

جعفریه: نمونه‌اش نسخه‌های خلاصه‌ای هستند که برای معرفی آثار بزرگ ادبیات به نوجوانان چاپ می‌شوند.

امرایی: امروز چون قانون کپی رایت در کشورمان اجرا نمی‌شود و تیراژ کتاب

بسیار کم است، این کتاب‌ها بعد از انقلاب، توانسته‌اند چاپ شوند. بعضی از آن‌ها، همان ترجمه‌ها را و بعداً داده‌اند و آن‌ها هم هرچجا که فکر کرده‌اند لغت مشکل داری وجود دارد، آن را حذف کرده‌اند و به این ترتیب می‌بینیم که وقتی قدم به نمایشگاه کتاب تهران می‌گذاریم، می‌بینیم که بسیاری از رمان‌ها و آثار ادبی بزرگ جهان دارند به این صورت به فروش می‌روند. خب جریان نقد سالم که وجود ندارد و مخاطب از ماجرا مطلع نیست. از طرفی کسی هم به آن ناشر نمی‌گوید که کتاب تو تقلبی است.

▲ شما این مساله را ناشی از عدم نظارت کدام دستگاه می‌دانید؟ اتحادیه ناشران یا وزارت ارشاد؟ شاید هم وجدان کاری مترجمان و ناشران!

جعفریه: ببینید، بعضی از این‌ها، که اصلاً مترجم نیستند و کار ترجمه می‌کنند. فقط تا حدودی با فن وبرایش آشنا هستند و نسخه ترجمه قدیمی کتاب را از ناصرخسرو یا خیابان انقلاب تهیه می‌کنند. جالب است که نسخه اولیه ترجمه کتاب ۶۰۰ صفحه است و ترجمه جدیدی که از آن منتشر می‌شود، ۳۵۰ صفحه است. این کار را ناشر به اسم ترجمه به وزارت ارشاد می‌دهد. وزارت ارشاد است که باید نظارت داشته باشد تا اثر اصیل منتشر شود. متأسفانه آن مفهوم تأییدکننده محصول که در کالاهای صنعتی می‌بینیم، در مورد کتاب وجود نداشته و اعمال نظارتی ندارد. ارشاد فکر می‌کند فقط باید از نظر محتوایی کتاب را نظارت کند تا جامعه را آلوده نکند. در حالی که نظارت فقط در این خلاصه نمی‌شود.

▲ آقای میرچی شما مترجم هستید که خارج از ایران اقامت دارید و به نوعی این جریانات را از بیرون گود می‌بینید. به نظرتان شرایط مترجمی مثل شما که گاهی به ایران می‌آید، در این حوزه، ایده‌آل تر است یا مترجمی مثل آقای امرایی؟

میرچی: اجازه بدهید، پیش از جواب به این سوال به سوالی که از آقای جعفریه پرسیدید، جواب بدهم. گفته شد که مردم ایران، کم کتاب می‌خوانند. بگذارید بگویم که این یک مساله جهانی است و فقط مربوط به ایران نیست. نمی‌خواهم تبلیغ کنم ولی ملت و کشوری، کتابخوان‌تر از جمهوری چک نیست اما این کشور در حال حاضر در یک وضع بد به سر می‌برد. به همین دلیل، دولت برای این که کتابخوانی را رواج دهد، بسیار تبلیغ و سرمایه‌گذاری می‌کند و کتاب را به گونه‌های مختلف به دست بزرگسالان و بچه ها می‌رساند که بهانه را از آن‌ها بگیرد که دیگر نگویند من به کتاب دسترسی ندارم. بعد از ۲ یا ۳ سال که این برنامه‌ها را شروع کرده‌اند، تازه دارد به یک جاهایی می‌رسد و در خیابان، آنتوپوس و قطار می‌بینید که مردم کتاب به دست گرفته اند و دارند به سمت مطالعه بر می‌گردند.

امرایی: بگذارید یک پرازنر عموین صحبت شما باز کنم. در رومانی اگر هنگام ورود به آنتوپوس و وسیله نقلیه عموین کتاب در دست شما باشد، از شما پول نمی‌گیرند یا هزینه را به طور کامل نمی‌گیرند.

میرچی: بله. آن‌ها هم دنبال راه‌های مختلفی برای جذابیت زایی برای کتاب

می‌گردند. دلایش هم مشخص است؛ آمدن وسایلی مانند تبلت و گوشی‌های

هوشمند است. این از سوال اول شما. اما درباره مساله ترجمه، باید بگویم طی ۴۵ سالی که در چک اقامت دارم و به ایران رفتم و آمد دارم، به خوبی متوجه شده‌ام که خواننده ایرانی سطحش به سرعت در حال بالا رفتن است. نباید

خواننده ایرانی را دست کم بگیریم و به نظر، باید این مسائل را به خودشان بسپاریم. چون خودشان تشخیص می‌دهند.

▲ خود خواننده‌ها؟



میرچی: بله. چون کتابی هست که به چاپ چهاردهم رسیده و از همان کتاب، ۴ یا ۵ ترجمه دیگر هم در بازار موجود است. به کتابفروشی رفته‌ام و درباره‌اش می‌پرسم. می‌گویند ما آن کتاب را نمی‌آوریم. وقتی می‌گویم چرا، می‌گویند ترجمه خویش را این جا داریم. من هم می‌گویم من آن ترجمه را می‌خواهم و جواب می‌شنوم که ما آن ترجمه را در کتابفروشی مان نمی‌آوریم. خب این پاسخ بسیار خوبی است. یعنی کتابفروش، ناقصه مخاطبانش را می‌داند و ترجمه خوبی را که مردم دوست دارند، از نسخه بدلی تمیز می‌دهد. من اتفاقاً خیلی راضی هستم که سطح فهم خواننده ایرانی به سرعت در حال بالا رفتن است و این البته برای ما مترجمان، زنگ خطر است چون باید خودمان را هم طراز با این مخاطبان بالا بکشیم تا عقب نمانیم.

جعفریه: آقای میرچی اشاره کردند که مردم ما، کتاب خوب می‌خوانند. نه. به نظر من این طور نیست. دوستانی که سر این میز حاضرند با ناشران و کتابفروشان حرفه‌ای سر و کار دارند. ممکن است شرایط این ناشران را به کل بازار، تعمیم بدهند ما دو طیف و تیپ کتابفروش داریم؛ یک سری ناشران است و یک سری صنعتی. کتابفروشی‌های من هم این روزها این گونه شده اند؛ یعنی یک گروه کتابفروشی‌ها سستی و در مقابل، کتابفروشی‌های صنعتی که دارند به سوپرمارکت‌های فرهنگی تبدیل می‌شوند و خوشبختانه در حال رشد هستند.

ناشران و کتابفروشان سستی در شهرستان‌ها زیادند و در سطح شهر تهران پراکندند. من به خاطر حضور در اتحادیه ناشران و علاقه ام به این حوزه، در این زمینه زیاد تحقیق کرده‌ام. هنوز در بازار کاشفی تهران، کتابفروشانی داریم که صبح از شهرستان‌های اطراف تهران می‌آیند و چند جلد از این جا و چند جلد از آن جا می‌خرد. این کتاب‌ها، طبیعتاً مصرف می‌شوند و خواننده دارند. این با نقش آن ناشرانی که کتاب سازی می‌کنند و پخته‌خوارند، دیده می‌شود. این‌ها چاپ می‌کنند و در این جا صرف می‌شوند. قیمت ثابت با

را هم طوری می‌زنند که تخفیف زیادی دارد. این مساله هم نه برای ناشر چاپ‌کننده مهم است و نه برای آن کتابفروشی که آمده بخرد و با خود به شهرستان برود.

امرایی: در یکی از میدان‌های اصلی شهر خودمان فردی را می‌بینید که از شهرداری چادر گرفته و نصف پیاده رو را اشغال کرده و کتاب‌ها را با ۴۰ درصد تخفیف می‌فروشد.

جعفریه: بزرگ ترین مسئولیت وزارت ارشاد این است که جلوی این کتاب‌ها

را بگیرد. و باید سازمانی تأسیس شود که کیفیت کتاب‌ها را بررسی کند. بارها دیده‌ام که آثار تاریخی منتشر شده‌اند اما چه کسی هست که بیاید و صحت و سقم مطالبی که در این کتاب‌ها چاپ می‌شود، بررسی و تأیید کند؟ ارشاد که بیاید فقط به دلیل پذیردن لغات اروتیک یا کلماتی چون مشتعل باشد.

با همین رویکرد بوده که امروز در این وضعیت هستیم که تیراژ کتاب، ۵۰۰

نسخه است. این نشان می‌دهد که راه را اشتباه رفته‌ایم. دولت اشتباه رفته،

منتقد اشتباه رفته، مترجم اشتباه رفته، ناشر اشتباه رفته و شمای رسانه هم اشتباه رفته‌اید. ما کاری کردیم که تیراژ کتاب از ۷ و ۵ هزار نسخه در سال

۶۴ به ۵۰۰ نسخه در سال ۹۵ رسیده است. جمعیت ایران ۲ برابر شده اما تیراژ کتاب افت کرده است. هیچ کس هم نباید دیگری را متهم کند که اشتباه کرده است چون همه اشتباه کرده‌ایم. همین الان هم مشغول اشتباه کردن هستیم.

آقای میرچی به پایین آمدن تیراژ کتاب در جهان اشاره کردند. مساله این است که تیراژ کتاب در آمریکا یک میلیون نسخه بوده و به ۹۰۰ هزار رسیده یا مثلاً در پراگ، تیراژ ۷۰۰ هزار نسخه بوده حالا به ۵۰ هزار نسخه رسیده است. این با وضعیت کشور ما قابل مقایسه نیست. تیراژ کتاب در کشور ما، یک فاقحه است و بازار نشر در یک ورشکستگی بزرگ به سر می‌برد.

▲ شما همه عوامل را گفتید اما مردم را نگفتید. آقای میرچی به بالا رفتن سلیقه جمعیت کتابخوان اشاره کردند. در حالی که جمعیت زیادی از مردم ما، کتابخوان نیستند.

جعفریه: من ناشر، دوست مترجم یا مولف و همه دست اندرکاران حوزه فرهنگ باید سعی کنیم سلیقه مردم را ارتقا بدهیم. فرهنگ مملکت چگونه رشد می‌کند؟ الان مدرسه و آموزش و پرورش ما مشکل جدی دارد. از طرف دیگر، مساله کتابخانه‌های عمومی را داریم. همین الان به ۵۰ کتابخانه عمومی برویم و بررسی کنیم، چه تعداد آنتوپوس ۱۰ کتاب روز که باب سلیقه مردم باشد، در این کتابخانه‌ها پیدا کنید؟! ایران یکی از نوادر کشورهای دنیااست که اگر کتابی را دوست دارید بخوانید، باید آن را بخريد. در حالی که در دیگر کشورها این گونه نیست و کتاب‌های مورد نظر در کتابخانه‌های عمومی و محلی قابل دسترسی هستند. خب وقتی ۵ سال است که هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور از من ناشر کتاب

سه شنبه ۱۶ شهریور ماه ۱۳۹۵

سخنگوی وزارت ارشاد: به زودی خبرهایی از بازیگران مهاجرت کرده می شنوید

بخش فرهنگی - سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن پاسخگویی به حاشیه‌های اخیر فعالیت‌های هنری کشور، از بازگشت برخی از بازیگران مهاجرت کرده که از رفتار خود پشیمان هستند خبر داد.
به گزارش خبرنگار مهر، حسین نوش‌آبادی سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سی و دومین ست رسانه‌ای خود که روز دوشنبه ۱۵ شهریور ماه شورای فرهنگ عمومی کشور برگزار شد با اشاره به برخی از شبهات مطرح شده درباره پذیرش شروطی از سوی دادستانی در حوزه برگزاری کنسرت‌ها گفت: اخیراً در بعضی از رسانه‌ها اعلام شده که تفاهمی بین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دادستانی مبنی بر پذیرش شروطی ایجاد شده که بنده در همین جا اعلام می‌کنم که هیچ‌گونه تفاهمنامه ای میان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مقامات قضایی درباره کیفیت برگزاری کنسرت‌ها امضا نشده و من هر گونه خبری مبنی بر این موضوع را تکذیب می‌کنم.

وی افزود: البته تکذیب امضای تفاهمنامه میان دادستانی و وزارت ارشاد به معنای عدم هماهنگی این نهاد با نهادهای قضایی و انتظامی نیست. اتفاقاً اجرای همه برنامه‌های موسیقایی با همکاری مسئولان قضایی و انتظامی شکل می‌گیرد که امیدوارم تداوم پیدا کند و مشکلات موجود نیز به تدریج حل و فصل شود. ما در حوزه صدور مجوز به لحاظ محتوایی، نظارت کاملی را خواهیم داشت و با اصلاح ماده ۲۰ قانون امکان عمومی، وظیفه نیروهای تأمین‌ی شفافیت شده و با آنچه که به حوزه نظارت بر محتوا مربوط شده باشد در حوزه کاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. به هر حال ما امیدواریم بتوانیم با هماهنگی‌های بیشتر به نتایج بهتری در زمینه برگزاری کنسرت‌ها برسیم و در عین حال که اجازه هر گونه فعالیت‌های خارج از عرف و چارچوب قانونی را در کنسرت‌ها پیگیری می‌کنیم، اجازه نمی‌دهیم که فضای سالم فعالیت‌های فرهنگی و هنری کشور نیز مخدوش شود.

ممنوع‌التصویری جهانگیر کوثری
به وزارت ارشاد ارتباطی ندارد
سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به یکی از خبرنگاران مبنی بر ماجرای ممنوع‌التصویری جهانگیر کوثری و دخترش باران کوثری توضیح داد: شنایه ممنوع‌الکاری یا ممنوع‌التصویری آقای جهانگیر کوثری و دخترشان هیچ ارتباطی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ندارد و اگر در این رابطه موضوعاتی مطرح شده، به اعتقاد من باید با مسئولان ذریبط این موضوع که تصور می‌کنم مرتبط با سازمان صدا و سیما باشد، مطرح شود که به طور حتم این نهاد نیز برای خود ضوابطی دارد که باید در حوزه کاری آنها مورد بررسی قرار گیرد. به هر حال تاکنون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هیچ تصمیمی برای ممنوع‌الکاری جهانگیر کوثری و باران کوثری اتخاذ نکرده است.

فقط وزارت ارشاد ناظر بر محتوای کنسرت‌هاست

نوش‌آبادی درباره موضوع پرحاشیه کنسرت‌ها نیز تصریح کرد: ما برای جلوگیری از لغو کنسرت‌ها در هر استانی نیازمند تعامل با نهادهای اداری هر استان و شهر از جمله شورای تأمین هستییم که تاکنون هم اجرای برنامه‌های صحنه‌ای ما هماهنگ با این نهادهای بوده است. اما برخی اظهارات وجود دارد که باید نودست و درباره آنها صحبت کرد. من هم‌اکنون از اظهارنظرهای شخصی صحت می‌کنم که لازم است درباره آن بحث و نشست‌های فراوانی داشته باشیم. به هر صورت ما به عنوان مسئول صدور مجوز و محتوای برنامه‌ها، نقش خود را ایفا و در این زمینه از همکاری دیگر نهادهای نیز استفاده می‌کنیم. من باز هم تأکید می‌کنم که در حوزه صدور مجوزها و نظارت بر محتوا، این وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که اصلی‌ترین نقش را ایفا می‌کند و سایر دستگاه‌ها نیز در ارتباط با برنامه می‌توانند نقش خود را ایفا کنند. به اعتقاد من در این موضوع هیچ‌کس نمی‌تواند در وظیفه دیگری مداخله کند.

وی افزود: اتفاقات ناشی از لغو کنسرت‌ها به دلیل فقدان تفاهم و درک متقابل طرفین از هم است که باید اینها را به نحوی حل کنیم تا از نظر قانونی همه چیز در چارچوب خودش تعریف شود.

سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به اظهار ندامت برخی از بازیگران مهاجرت کرده به خارج از کشور برای حضور در شبکه‌های فارسی‌زبان، گفت: اخیراً خبرهایی به گوش می‌رسد کسانی که سراب حضور در فیلم‌های خارجی داشتند و بی‌محابا به این شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان پیوستند، عزم برگشت دارند که البته من بعید می‌دانم به همین راحتی‌ها بتوانند عمل خود پیشمان شده‌اند و با توجه به اینکه در آنجا نمانند به‌خوشامتنی مادی خود برسند، تمایل به بازگشت به ایران دارند.

وی افزود: صحنه برای نادمان باز است و می‌دانیم که آنها نه تنها هیچ منفعتی برای خود به همراه آوردند، بلکه خود را نیز بدنام کردند و شاید این اتفاقات درس عبرتی برای کسانی باشد که قصد مهاجرت به آن سوی مرزها دارند. به هر حال به زودی خبرهایی را می‌شنوید که بسیاری از این خبرها دال بر بازگشت بازیگران مهاجرت کرده دارد.

ممنوع‌التصویری جهانگیر کوثری
به وزارت ارشاد ارتباطی ندارد
سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به یکی از خبرنگاران مبنی بر ماجرای ممنوع‌التصویری جهانگیر کوثری و دخترش باران کوثری توضیح داد: شنایه ممنوع‌الکاری یا ممنوع‌التصویری آقای جهانگیر کوثری و دخترشان هیچ ارتباطی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ندارد و اگر در این رابطه موضوعاتی مطرح شده، به اعتقاد من باید با مسئولان ذریبط این موضوع که تصور می‌کنم مرتبط با سازمان صدا و سیما باشد، مطرح شود که به طور حتم این نهاد نیز برای خود ضوابطی دارد که باید در حوزه کاری آنها مورد بررسی قرار گیرد. به هر حال تاکنون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هیچ تصمیمی برای ممنوع‌الکاری جهانگیر کوثری و باران کوثری اتخاذ نکرده است.

فقط وزارت ارشاد ناظر بر محتوای کنسرت‌هاست

نوش‌آبادی درباره موضوع پرحاشیه کنسرت‌ها نیز تصریح کرد: ما برای جلوگیری از لغو کنسرت‌ها در هر استانی نیازمند تعامل با نهادهای اداری هر استان و شهر از جمله شورای تأمین هستییم که تاکنون هم اجرای برنامه‌های صحنه‌ای ما هماهنگ با این نهادهای بوده است. اما برخی اظهارات وجود دارد که باید نودست و درباره آنها صحبت کرد. من هم‌اکنون از اظهارنظرهای شخصی صحت می‌کنم که لازم است درباره آن بحث و نشست‌های فراوانی داشته باشیم. به هر صورت ما به عنوان مسئول صدور مجوز و محتوای برنامه‌ها، نقش خود را ایفا و در این زمینه از همکاری دیگر نهادهای نیز استفاده می‌کنیم. من باز هم تأکید می‌کنم که در حوزه صدور مجوزها و نظارت بر محتوا، این وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که اصلی‌ترین نقش را ایفا می‌کند و سایر دستگاه‌ها نیز در ارتباط با برنامه می‌توانند نقش خود را ایفا کنند. به اعتقاد من در این موضوع هیچ‌کس نمی‌تواند در وظیفه دیگری مداخله کند.

وی افزود: اتفاقات ناشی از لغو کنسرت‌ها به دلیل فقدان تفاهم و درک متقابل طرفین از هم است که باید اینها را به نحوی حل کنیم تا از نظر قانونی همه چیز در چارچوب خودش تعریف شود.

سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از صحبت‌های خود با